

خبرنامه مؤسسه توانمندسازی مهر و ماه در سال ۱۳۹۶



فهرست مطالب

مهر و ماه ۴

کودکان ۱۵

زنان و خانواده ۲

یک سال یک نگاه ۳۴

هیئت تحریریه:

سمانه گلاب
عاطفه طلوعی

مسئول اجرایی:

هانیہ ایمانی

صفحه آرایی:

بهناز شعبانزاده

عکاسان:

عاطفه طلوعی
هانیہ ایمانی
خدیجه پورکاظمی
نجمه شهبازی

نشانی: تهران- اتوبان یادگار امام شمال- خیابان ایثارگران شمالی- خیابان امامزاده داوود-

کوچه عمومی- پلاک ۴.

تلفن: ۰۲۱-۲۲۳۸۲۶۶۵

ایمیل: mehromah.far@gmail.com

کانال تلگرام: https://telegram.me/mehromahngo

اینستاگرام: mehromah.ngo

سایت: www.mehr-o-mah.com

برای ساختن فردایی بهتر

یک سال دیگر در مهر و ماه با همراهی یاران مهربانان گذشت. سالی که هر فصل آن رنگ و بوی خاص خود را داشت. بهار با شوق پایان سال تحصیلی همراه بود. کودکانی که به همت حامیان خود یک سال را با دغدغه کمتر پشت نیمکت‌های مدرسه گذراندند، زنانی که با تمامی مشکلات در کلاس‌های سوادآموزی شرکت کردند و دوره خود را با موفقیت به پایان رساندند و کودکانی که اگرچه نتوانستند طعم حضور در مدرسه را بچشند اما میهمان مدرسه مهر و ماه بودند و یک سال را در کنار ما به پایان رساندند تا بتوانیم فصل جنب و جوش‌های تازه برای مهر و ماه بود. تهیه ساختمانی جدید در کنار ساختمان قدیمی موسسه و آماده‌سازی آن برای سال جدید تحصیلی این فصل گرم سال را برایمان لذت‌بخش‌تر کرد. پاییز هزار رنگ برای ما بوی مهر داشت. کودکانی که پیش از این به اجبار زمان خود را در خیابان یا کارگاه‌های مختلف می‌گذراندند تا کمکی برای گذران زندگی خانواده باشند با حمایت یاران مهر و ماه این بار پاییز را مانند سایر همسالان خود با حضور در مدرسه آغاز کردند. پیش دبستانی مهر و ماه نیز مانند سال‌های گذشته هم‌زمان با سال تحصیلی، فعالیت خود را آغاز کرد و ۶۳ کودک در این سال میهمان کلاس‌های پیش‌دبستانی مهر و ماه بودند. خنده‌های این کودکان که با هم بودن و آموختن را یاد می‌گرفتند حیات مهر و ماه را رنگی دیگر می‌بخشید. پاییز اما یادآور خاطره تلخی نیز بود. زلزله کرمانشاه که هم‌وطنانمان را داغدار و بی‌پناه کرد. مهر و ماه تلاش کرد در راستای مسئولیت اجتماعی خود در کنار زلزله‌زدگان باشد. فعالیت موسسه در مناطق زلزله‌زده در سه بعد حمایتی، روانی و اجتماعی پیگیری شد. در بعد حمایتی تلاش شد با ارسال کالاهای ضروری بخشی از نیاز خانواده‌های آسیب‌دیده تأمین شود و در بعد روانی و اجتماعی موسسه با تأسیس خانه‌های کودک و خانه توانمندسازی فعالیت خود را پیگیری کرد. تلاشی که تا امروز نیز ادامه دارد. زمستان فصل تکمیل و جمع‌بندی تلاش‌ها بود. حضور

در مناطق زلزله‌زده و تأمین نیازهای مرتبط با فصل سرما فعالیت ویژه‌ای بود که در این فصل با جدیت بیشتری دنبال شد. در کنار آن فعالیت‌های مهر و ماه نیز طبق روال ادامه داشت. تلاش ما همواره بر این بود که با ترغیب زنان کودکان به حضور در کلاس‌های مهارت زندگی، برای بهبود جنبه‌های مختلف زندگی آنان فعالیت کنیم؛ این دوره‌ها در سال ۹۶ نیز برگزار شد و با استقبال مددجویان مهر و ماه همراه بود. ارزیابی‌ها حاکی از نتایج مثبت این دوره‌هاست. کارگاه خیاطی مهر و ماه در این سال مانند سال‌های قبل میزبان زنان محله بود تا در کنار حرفه‌آموزی شرایط دستیابی به کار و درآمد را نیز برای آنان فراهم کند. این تلاش‌ها همگی با همت شما یاران مهر و ماه به ثمر نشست و امید آن داریم در سال آینده نیز بتوانیم با شما این مسیر را پیش ببریم. به امید روزی که در آن هر کودکی حق بهره‌مندی از کودکی را داشته باشد و در خانواده برای ساختن فردایی بهتر تربیت شود.



دست در دست هم به مهر



سال ۱۳۹۶ نیز با کسب تجارب مختلف در مهروماه پشت سر گذاشته شد. حضور چند ساله ما در محله فرحزاد و آشنایی چهره به چهره با معضلات در این گوشه شهر چهره کامل‌تری از مشکلات برایمان ترسیم کرده است که بر مبنای آن نقشه راه آینده را هر سال با جزئیات بیشتری ترسیم می‌کنیم. فقر اقتصادی را شاید بتوان به نوعی پایه‌ای‌ترین مشکل خانواده‌ها در این منطقه دانست. شغل‌های ناپایدار و با درآمد کم سرپرست خانوار و هزینه‌های بالا حتی برای یک حداقلی از زندگی در این منطقه به گونه‌ای است که کودکان را خیلی زود وارد چرخه کار می‌کند. سوادآموزی، تفریح و درک و تقویت استعدادها و کودکان در چنین فضایی کالایی لوکس به شمار می‌رود که بسیاری از کودکان از آن محروم‌اند. در کنار این موارد آشنا نبودن برخی خانواده‌ها به اصول تربیتی و رفتار خشن با کودکان، اعتیاد سرپرست خانوار و حضور در محیط کار غیر استاندارد که آسیب‌های جسمی و روحی برای کودکان به بار دارد باعث شده برخی از کودکان شیوه رفتاری متفاوتی نسبت به دیگر همسالان خود داشته باشند که ارتباط با آنان نیز شیوه خاص خود را می‌طلبد. با توجه به این معضلات فعالیت‌های مهروماه در حوزه توانمندسازی زنان و کودکان در چند محور اصلی شکل گرفته و در سال‌های گذشته تکمیل‌تر شده است.

مهم‌ترین حوزه فعالیت مهروماه آموزش است که در چند سطح پیگیری می‌شود. سطح نخست آموزش کودکان پیش‌دبستانی است. مشاهدات ما نشان می‌داد برخی از کودکان منطقه نسبت به دیگر همسالان خود از آموزش کمتری برخوردار بوده‌اند و در نتیجه وقتی در مدرسه در کنار کودکان دیگر قرار می‌گیرند، دچار افت تحصیلی و کاهش اعتماد به نفس می‌شوند. بنا به همین تجربه مهروماه آموزش پیش‌دبستانی را در دستور کار قرار داد تا آموزش‌های لازم پیش از ورود به مدرسه به کودکان داده شود. سطح دوم حمایت از کودکانی است که به دلیل عدم تمکن مالی قادر به حضور در مدرسه نیستند. در این بخش مهروماه با کمک همراهان خود این کودکان را تحت پوشش حمایت تحصیلی قرار می‌دهد و در کنار تأمین هزینه‌های تحصیل وضعیت آموزشی آنها را نیز بررسی می‌کند. سطح سوم آموزش کودکان بازمانده از تحصیل است. با وجود تمام تمهیداتی که همکاران در مهروماه تدارک دیده‌اند تا کودکان در سن تحصیل را در مدرسه ثبت‌نام کنند بازهم کودکانی هستند که به دلایل مختلف قادر به تحصیل در مدرسه نبوده‌اند مهروماه برای کودکان شرایط تحصیل را در موسسه فراهم کرده است. در مدرسه مهروماه تلاش می‌شود در کنار آموزش و نظم، درک متقابلی از مسائل و مشکلات کودکان وجود داشته باشد و



آموزش مهارت‌ها زندگی و ارتباطی نیز در دستور کار است. تلاش اصلی بر این است که کودکان در نهایت به محیط مدرسه بازگردند که در این راستا در سال تحصیلی ۹۵-۹۶ از ۳۰ نفر دانش‌آموز مدرسه مهروماه ۲۰ نفر در مدارس معمولی پذیرفته شدند.

ارائه خدمات روانشناسی و مددکاری اجتماعی نیز از همان زمان تأسیس در مهروماه پیگیری شده و کنار آموزش تلاش بر آن بوده که به لحاظ روحی و اجتماعی نیز کودکان را حمایت کنیم. در این زمینه مشاوره‌های فردی و گروهی با کودکان، بررسی وضعیت کودکان در خانواده، بررسی وضعیت سلامت جسمی آنان، مشاوره با والدین برای بهبود وضعیت تربیتی، آموزش به کودکان در زمینه تعامل با دیگر افراد، محیط و جامعه، آموزش برای مراقبت از خود در مقابل خشونت‌های کلامی و فیزیکی و کشف خلاقیت آنها فعالیت دیگری است که در مهروماه پیگیری می‌شود.

با وجود تمام این تلاش‌ها به این موضوع آگاهیم که نمی‌توان توانمندسازی کودکان را جدا از توانمندسازی خانواده به‌ویژه زنان دانست. یک کودک تنها زمانی می‌تواند آرامش را درک کند که محیط خانواده آرام باشد. با همین رویکرد در مهروماه آموزش و توانمندسازی زنان را همگام با آموزش کودکان پی گرفتیم. این آموزش‌ها در سطوح مختلف



از جمله مهارت‌های اجتماعی، تربیت کودکان، آموزش مسائل بهداشتی، سوادآموزی و آشنایی با حقوق زنان در سال گذشته پیگیری شد. بی‌شک وجود زنانی توانمند در خانواده که به حق خود و دیگر اعضای خانواده خود آگاه است می‌تواند اثر قابل توجهی در رشد کودکان داشته باشد. علاوه بر این در مهروماه بحث توانمندسازی زنان از منظر حرفه‌آموزی نیز پیگیری می‌شود. این موضوع علاوه بر اینکه زنان را در خانواده توانمندتر می‌کند شرایط را برای کاهش یا حذف کار کودک نیز فراهم می‌کند. تجربه ما نیز نشان داده زمانی که مشکلات مالی در خانواده‌ها کاهش یابد تمایل برای کار اجباری کودکان بسیار کمتر می‌شود.

در کنار فعالیت‌ها تلاش می‌شود تا با برگزاری اردوهای تفریحی و کلاس‌های متنوع مانند آموزش تئاتر، نقاشی، موسیقی و... تجارب شادی برای کودکان و زنان رقم بزنیم. امید ما این است با این تلاش‌ها بتوانیم کودکان را از آسیب‌ها احتمالی دور کنیم و می‌دانیم داشتن کودکانی شاد، در خانواده‌ای سالم و آگاه پیش‌شرط موفقیت یک جامعه در آینده است. شرح مختصری از فعالیت‌های کمیته‌های مهروماه در سال ۱۳۹۶ در بخش یک سال یک نگاه ارائه شده است.



خبر کوتاه بود و اطلاعات ناچیز؛ گفتند کرمانشاه لرزیده، گفتند تخریب زیاد است و گفتند هیچ آماری از تلفات در دست نیست. از لحظات اول هر کس تلاش می‌کرد به نوعی از واقعه اطلاع یابد، خبرها ضد و نقیض بود اما آنچه کم‌کم مشخص می‌شد خسارات بالایی بود که مردم این خطه محروم کشور متحمل شده بودند. خسارات مالی و جانی. تنها چند ثانیه لرزش کافی بود که دستاوردهای یک عمرشان پیش چشم از بین برود و چند ثانیه کافی بود تا بودِ عزیزی را نابود کند.

شنیده‌ها نشان می‌داد کمبود امکانات و سوء مدیریت به‌گونه‌ای است که نمی‌توان تنها به نیروهای دولتی برای کمک‌رسانی تکیه کرد، از طرفی تجربه وقایع مشابه مشخص می‌کرد نباید حمایت‌های مردمی را بدون سازماندهی به مناطق فرستاد، در چنین شرایطی نهادهای مردم‌نهاد حلقه واسطی بودند که به میدان آمدند. در میان بی‌اعتمادی‌های گسترده‌ای که امروز در جامعه وجود دارد اعتماد به این نهادها برای جمع‌کردن کمک‌ها و سازماندهی برای ارسال تجربه‌ای ناب بود.

مهروماه نیز در این روزهای سخت همراه مردمان این دیار بود. ارسال بسته‌های بهداشتی و ارزاق، تنها بخشی از این کمک‌ها بود. تجربه نشان داده در روزهای پس از وقایع تلخ کمک‌ها بسیارند اما به‌تدریج و زمانی که نیاز به رفع احتیاجات اساسی‌تر است کمک‌ها کمتر و کمتر می‌شود. بر همین مبنا مهروماه از ابتدا تلاش داشت در کنار رفع احتیاجات آنی زلزله‌زدگان فضایی برای ارائه کمک‌های مورد نیاز در بلندمدت فراهم کند. در همین راستا مؤسسه با هدف ایجاد فضای نشاط برای کودکان و به منظور بازماندن آنها از آموزش یکی از کانکس‌های ارسالی را به خانه کودک در سرپل ذهاب اختصاص داد که پس از راه‌اندازی به شبکه یاری کودکان کار سپرده شد. تأسیس خانه کودک در روستای قلعه بهادر اقدام دیگر مهروماه در مناطق زلزله‌زده بود. در این خانه کودکان بازی می‌کنند، از امکانات اولیه موجود بهره‌مند می‌شوند و نیروهای متخصص اعزامی از سوی مهروماه با انجام

فعالیت‌های آموزشی مختلف کنار این کودکان هستند تا بتوانند با فشار روانی کمتری این روزهای تلخ را سپری کنند. همچنین مهروماه در روزهای پایانی سال کانکسی را با هدف توانمندسازی زنان در روستای قلعه بهادر برپا کرد و با خرید ۴ دستگاه چرخ خیاطی این امکان را به‌وجود آورد تا زنان منطقه علاوه بر فعال‌شده در محیطی جدید بتوانند بخشی از

نیازهای اقتصادی خانواده را نیز تأمین کنند. اقدام دیگر مهروماه تهیه لباس برای کودکان در آستانه عید نوروز بود. برای این منظور مهروماه پارچه‌هایی را از سرپل ذهاب تهیه



کرد (تلاش بر این بود تا همه اقدامات به نوعی در چارچوب کمک به اقتصاد منطقه باشد) و زنان محلی با در قابل دریافت حق الزحمه و با دوختن لباس برای کودکان به پیشواز عید رفتند. جشن نوروزی نیز با همکار اهالی منطقه برای کودکان برپا شد تا با روحیه‌ای شادتر به آغاز سالی جدید بروند؛ سالی که امیدواریم برای آنها با دغدغه کمتری همراه باشد.

ما از ابتدا عهد بستیم که هموطنان آسیب دیده خود را فراموش نکنیم و تا جایی که می‌توانیم در کنارشان باشیم. به این عهد وفادار مانده‌ایم و خواهیم ماند. شرح اقدامات موسسه توانمندسازی مهروماه در ویژه‌نامه‌ای مجزا در اختیار علاقه‌مندان قرار خواهد گرفت.



یک روز خوب

برای چهارمین سال متوالی مهروماه میزبان یاران خود بود؛ این بار اما در دو وعده‌گاه متفاوت، یکی ۲۴ آذرماه جشنواره غذا و صنایع دستی مهروماه و دیگری در ۴ اسفندماه و با جشنواره‌ای برای استقبال از بهار برگزاری سالانه این جشنواره به ما ثابت کرده است این گردهمایی بیش از آنکه محلی برای حمایت مالی از فعالیت‌های موسسه باشد؛ روحیه ما را برای حرکت در مسیر قوی‌تر می‌کند. از یک ماه قبل از برگزاری جشنواره بسیاری از یاران مهروماه همراهان می‌شوند هرکس با توانایی خود به یاری می‌آید و گوشه‌ای از این بار بزرگ را برمی‌دارد. پخت غذا، هماهنگ‌شدن برای عرضه غذاها و درنهایت همراه‌شدن در روز جشنواره برای میزبانی از یارانی جدید؛ اینها بخش کوچکی از تلاش عزیزانی است که در برگزاری این جشنواره همراهان بوده‌اند.

زنان کارآموز موسسه نیز در هفته‌های قبل از برگزاری جشنواره تلاش خود را بیش از پیش می‌کنند تا با هنر خود رنگ دیگری به جشنواره بپاشند؛ آنها نشان می‌دهند نتیجه حمایت‌ها به بار نشسته است؛ آنها نشان می‌دهند اگر آموزش به‌عنوان حداقلی‌ترین حق هر انسان از آنان دریغ نمی‌شد امروز می‌توانستند هرکدام در جایگاه متفاوتی باشند؛ آنها نشان می‌دهند هیچ‌گاه دیر نیست و هر زمان کمر همت ببندند و حداقل شرایطی فراهم شود توانمندی آنها نیز به بار خواهد نشست.

روز برگزاری اماشکوه دیگری دارد؛ روبه‌رو شدن با چهره‌های جدید، علاقه بازدیدکنندگان به پیگیری فعالیت‌های مهروماه، لبخند شیرین کودکان که با دست‌هایی پر از خوراکی‌های رنگارنگ به دنبال والدین خود حرکت می‌کنند و همراهی والدینی که می‌دانند با این کار خود شادی را هم به کودک خود هدیه داده‌اند و هم به کودکانی که هیچ‌گاه آنها را ندیده‌اند اما فرزندان همین سرزمین‌اند؛ برق شادی در چهره زنانی که به کارهای هنری زنان دیگر نگاه می‌کنند و می‌دانند موفقیت یک زن یعنی موفقیت یک خانواده؛ حضور مردانی که می‌دانند نجات جامعه در گرو نجات کودکان است و کودک نیز برای رشد و بلوغ، خانواده می‌خواهد؛ خانواده‌ای که در آن زن و مرد با هم و همراه هم قدم بر می‌دارند؛ همه اینها تجارب ناب روز با هم بودن ماست.

«کودکان کار» فساد خلاءهای قانونی

نجیه محبی، روزنامه‌نگار



نزدیکترین واژه به کلمه «کودکی»، شادی است. اما کودکان کار در تمام جهان تصویر دیگری از کودکی بازتاب می‌کنند. تصویری که در آن شادی یک شوخی است. برای این کودکان زندگی از همان ابتدا ابتلائات سخت بزرگسالان آن هم بزرگسالان فرودست را دارد. اما آیا هیچ مرجعی نیست تا این کودکان را پناهی دهد؟ برای دوری از هر سخنی که رنگ شعر و شعار دارد، به سراغ میثاق ملی‌مان، قانون اساسی کشور می‌رویم.

اصل سوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مشخص کرده است که آموزش و پرورش و تربیت بدنی برای همه در تمام سطوح رایگان است. ماده دوم اصل ۲۱ قانون اساسی «حمایت از کودکان بی‌سرپرست» را وظیفه دولت دانسته است. اصل ۳۰ قانون

در ملاقات با این زنان و مردان از مهروماه می‌گوییم، از اینکه از کجا شروع کرده‌ایم، چه مسیری را پشت سر گذاشته‌ایم، اکنون در کجا ایستاده‌ایم و چه هدفی را دنبال می‌کنیم. برگه‌های حمایت یکی‌یکی پر می‌شوند، یکی آمادگی خود را برای آموزش زبان اعلام می‌کند، دیگری پزشکی است که می‌تواند برای تشخیص و درمان مددجویان همراه مهروماه باشد، آن دیگری متخصص تغذیه است و می‌تواند آموزش‌های لازم برای تغذیه بهتر را در اختیار مادران مهروماهی قرار دهد. و در نهایت با همین با هم بودن‌ها مهروماه هر روز به آینده امیدوارتر می‌شود.



اساسی دولت را موظف کرده است وسایل آموزش و پرورش رایگان را برای همه ملت تا پایان دوره متوسطه فراهم سازد و وسایل تحصیلات عالی را تا سرحد خودکفایی کشور به طور رایگان گسترش دهد.

اصل ۴۳ تامین نیازهای اساسی مانند مسکن، خوراک، پوشاک، بهداشت و درمان، آموزش و پرورش و امکانات لازم برای تشکیل خانواده برای همه را ماده یک اصول اقتصاد جمهوری اسلامی دانسته است.

اصول فوق در زمینه تامین معیشت فرودستان و آموزش آنان اصولی است که در قانون تصریح شده و باید اجرا شود. ضمن اینکه باید دقیقاً مشخص شود، متولی هر یک از اصول زیر در دولت کدام سازمان، وزارت و یا نهاد است. برای مثال شرح وظایف وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی و وزارت آموزش و پرورش باید به طور مشخص درباره کودکان کار معلوم شود. احتمالاً برای رفع مشکل کودکان کار پایدارترین کار رفع مشکلات کارگران است. مگر غیر از این است که کودکان کار در حقیقت کارگران کوچک‌اند؟ کارگرانی که دسترسی به سندیکا و اطلاعی از حقوق کاری خود ندارند. مگر غیر از این است که اگر قوانین کار شفاف و نظارت بر اجرای قوانین دقیق باشد، استثمار یا استخدام کودکان کار تا حد زیادی پایان می‌یابد؟

از طرف دیگر لازم است برای آموزش کودکانی که شناسنامه ندارند، تدبیری اندیشیده شود. برای مثال لازم است برای کودکان کاری که مشکل شناسنامه ندارند، در ساعات آموزشی درسی انعطاف‌هایی قائل شد. اگر آموزش به کودکان کار داده نشود، به طور تصاعدی آمار مشکلات اجتماعی از اعتیاد تا تداوم فقر در بین آنان بالا می‌رود. تنها چیزی که می‌تواند چاه فقر و نادانی را درمان کند، آموزش است. آموزشی که بر مبنای آن کودکان مهارتی بیاموزند تا به واسطه آن بتوانند در آینده اشتغالی غیرمجرمانه داشته باشند.

آنچه در مهرماه یافتیم

«دخترک وقتی دستمزد روزانه فروش آدامس‌هایش از ۵۰ هزار تومان کمتر می‌شد به خانه مرد همسایه می‌رفت تا در ازای ۵ هزارتومن او را آزار دهد اما به جایش پدر او را کتک زدند.»

ماجرای به قدری هولناک است که تلاش می‌کنم شرح واقعه را بزرگنمایی گزارشگر بدانم، اما واقعیت چنان عریان خود را نشان می‌دهد که ندیدن آن قطعاً دیده‌ای نابینا می‌خواهد. مگر کم دیده‌ایم دختران و پسران کوچکی که تا دیرنگام بر سر چهارراه‌ها به دنبال لقمه‌ای نان شیشه‌ای تمیز می‌کنند یا چیز ناچیزی می‌فروشند، مگر کم دیده‌ایم پسرک‌انی که باری دو برابر جثه نحیف خود به دوش می‌کشند تا از دل زباله قوت زندگی بیرون بکشند؟ نه؛ حقیقت بسیار عریان‌تر از آن است که بخواهیم آن را کتمان کنیم.



در این وانفسا که نه می‌توان به واقعیت‌های اطراف بی‌تفاوت بود و نه می‌توان دست تنها کاری بزرگ پیش برد وجود سازمان‌های مردم‌نهاد نقطه اتکای خوبی است. زنان و مردانی از بین ما که همت کرده‌اند و تلاش می‌کنند گوشه‌ای از این جامعه زخم خورده را مرهم باشند. مهروماه برای من چنین پایگاهی بود. آوای کودکان زمان ورود به حیاط موسسه روحی تازه در وجود می‌دمد. صورت کودکانی که پیش از این تنها چهره خسته‌شان را دیده‌بودم اینجا پر از لبخند و شادی است. کلاس درس کودکانی که مدرسه پذیرای آنها نبوده است ولی مهروماه پناه آنها شده امیدهای تازه بر دل می‌نشانند. چه بسا روش آموزشی نوینی که در این موسسه پیش گرفته شده آموزش بهتری را نیز نصیب کودکان کند. در مهروماه کودکان فارغ از دغدغه‌هایی که فقر بر آنها تحمیل کرده، کودکی می‌کنند؛ بازی می‌کنند، یاد می‌گیرند، با هم تعامل دارند و استعدادهای خود را کشف می‌کنند.

زنانی که در کارگاه مهروماه تلاش می‌کنند تا یاد بگیرند و گوشه‌ای از بار زندگی را به دوش بکشند، زنانی که در با تمام دغدغه‌ها در کلاسهای سوادآموزی شرکت می‌کنند همه آنها برایم الگو شده‌اند. هیچ اغراقی در این سخن نیست. مقابله با شرایط فرهنگی خاص، حضور در مهروماه، زمان گذاشتن برای توانمند شدن در حالی که شاید بتوان با وابسته شدن به نهادهای خیریه‌ای درآمدی حتی بیشتر کسب کرد و تلاش برای تربیت بهتر کودکانشان در شرایطی که از بسیاری از این امکانات در کودکی محروم بوده‌اند همه و همه آنها را به قهرمانان زندگی تبدیل کرده است. زنان و کودکان در مهروماه می‌آموزند که می‌توانند و خود را باور می‌کنند. شاید این بزرگترین نتیجه مهروماه باشد.

راه روشن مریم

مریم (نام مستعار) با اضطراب به جدال پدر و مادر نگاه می‌کند، اوضاع خانه مدت‌هاست مانند سابق نیست، پدر ازدواج مجدد کرده و کمتر از آنچه قبلاً بود به خانواده می‌رسد. شرایط ادامه زندگی سخت است. مهاجرت یکی از گزینه‌های پیش روست. برادر بزرگ‌تر شاید بتواند خانواده را از این سختی برهاند.

مریم همراه مادر و برادر کوچک‌تر راهی دیاری غریب می‌شود. شرایط زندگی بسیار تغییر کرده است. برادر بزرگ‌تر تنها ۱۷ سال دارد و باید بار یک خانواده را به دوش بکشد. کودکی که بسیار زود باید به دنیای بزرگسالان قدم بگذارد. مریم نیز از این قاعده مستثنا نیست. به دنبال راهی است تا بتواند گوشه‌ای از زندگی را بگیرد. ۱۴ سال دارد اما گویا زندگی از او و برادرانش کودکی‌کردن نمی‌خواهد؛ آنها باید باربردار زندگی خود باشند. مریم دستانی هنرمند دارد. نخ‌های رنگی در دستان مریم جوراب‌های زیبایی می‌شوند. مریم کارهای هنری خود را به واسطه یکی از آشنایان به فروش می‌رساند و کمکی برای خانواده است. تحصیل در این حالت برای مریم کاری لوکس است؛ چگونه می‌تواند درس بخواند وقتی حداقل‌های زندگی نیز مهیا نیست. آشنایی مریم با مهروماه اما راهی دیگر

پیش روی او می‌گذارد. او که چندی پیش مجبور به ترک تحصیل شده بود با کمک کمیته مددکاری اجتماعی و روانشناسی آزمون تعیین سطح می‌دهد. مریم در کلاس یازدهم پذیرفته شده است. او هنوز حرفه کوچک خود را رها نکرده اما در کنار آن به تحصیل نیز ادامه می‌دهد. مریم می‌تواند درس بخواند و در کنار آن به خانواده نیز برای تأمین مالی کمک کند. مریم دختر قهرمانی است که نمونه آن را در اطراف کم نمی‌بینیم. دخترکانی که با قدرت به جدال با سرنوشت می‌روند و تلاش می‌کنند از دل تاریکی‌های نقاط روشن را جمع کنند و برای خود و خانواده‌شان راهی به سوی آینده‌ای روشن بگشایند.



خود را در قالبی دیگر ببینیم



از جمله فعالیت‌هایی که در مهر و ماه انجام می‌شود؛ تئاتر درمانی است. حدود دو سال است نوجوانانی که در کلاس تئاتر شرکت می‌کنند با شیوه‌های خلاقانه‌ای نحوه اجرای نمایش را یاد می‌گیرند و مهارت‌های اجتماعی گوناگونی را کسب می‌کنند.

در تئاتر درمانی به فرد کمک می‌شود تا با تجسم و بازی کردن یک مسئله به جای فقط صحبت کردن در مورد آن (روان درمانی مرسوم) مسئله را بازنگری و برای آن راه حل مناسبی پیدا کند. در این کلاس با دو شیوه مختلف بداهه‌گویی و براساس نمایش‌نامه، بازی کردن به کودکان آموزش داده می‌شود. در شیوه نخست مربی براساس کمبودها، مشکلات و ضعف‌هایی که نوجوانان حاضر در کلاس دارند موضوعی را انتخاب می‌کند و به شیوه‌ای غیرمستقیم و با نمایش سعی در بهبود آن ضعف‌ها و کمبودها دارد. بعد از انتخاب موضوع، نوجوانان به بداهه‌گویی درباره موضوع می‌پردازند و نمایش‌های کوتاهی را اجرا می‌کنند و در جلسات آتی، با بررسی نقاط قوت و ضعف نمایش، شالوده اصلی نمایش کم‌کم شکل می‌گیرد و نمایش اصلی در جلسات هفتگی تمرین می‌شود. در سال ۹۶ این کلاس با تمرکز بر دو موضوع «کنترل خشم» و «مراقبت از خود» برای نوجوانان تشکیل شده است.

در شیوه دوم، موضوعی مشخص براساس نمایش‌نامه‌ای مشخص در اختیار نوجوانان قرار می‌گیرد و آن‌ها اصول نمایش را در آن تمرین می‌کنند و برای نمایش اصلی آماده می‌شوند. امسال دو موضوع «جنگ» و «صلح» محور اصلی این نوع نمایش بود.

در تئاتر درمانی، کودکان و نوجوانان به شیوه‌ای غیرمستقیم و در بین گفتگوهای که در کلاس مطرح می‌شود و با جابجایی نقش‌ها می‌توانند خود را در جایگاه‌ها و نقش‌های مختلف تصور کنند که این می‌تواند به یادگیری مهارت‌های زندگی در آن‌ها کمک کند. برای مثال کودکی که توانایی ابراز احساسات ندارد وقتی در نقش یک فرد عصبانی قرار می‌گیرد با نحوه بروز احساسات آشنا می‌شود و یا در مقابل کسی که همیشه در جایگاه شخص زورگو قرار دارد وقتی در نقش یک فرد مظلوم که نمی‌تواند از خود دفاع کند قرار می‌گیرد می‌تواند درکی از آن شخصیت داشته باشد و دانستن اینکه بقیه از شنیدن حرف زور او چه حسی دارند به او کمک می‌کند تا در رفتار خود بازنگری کند.

در نهایت، شرکت‌کنندگان در این کلاس آموزشی یاد می‌گیرند که چگونه احساساتشان را بروز دهند. مهارت‌های اجتماعی را از طریق نمایش کسب کنند تا بتوانند ارتباط مؤثرتری با گروه هم‌سالان خود و خانواده‌شان داشته باشند.

در جشنی که به مناسبت روز جهانی زن در سرای محله پرواز برگزار شد دانش‌آموزانی که در کلاس تئاتر شرکت کرده بودند بعد از چند ماه تمرین، دو نمایش با موضوع مراقبت از خود و کنترل خشم را برای مادران که در این جشن حاضر بودند اجرا کردند و هدایایی به رسم یادبود از طرف مؤسسه به آن‌ها اهدا شد.



کودکی ناتمام

پرده اول

دختر کوچک با ذوق پول را از دست مادرش می‌گیرد، موهای پریشانش را می‌بندد و با سرعت به سمت مغازه نزدیک خانه حرکت می‌کند. فروشنده کمی سر به سر دخترک می‌گذارد، صدای خنده کودک فضای مغازه را پر کرده است. بستنی را از دست فروشنده می‌گیرد، همانجا آن را باز می‌کند، با همان خنده همیشگی مغازه را ترک می‌کند و به سمت خانه می‌دود، دخترک اما هیچ‌گاه به خانه نمی‌رسد.

پسرک برای یک روز معمولی دیگر راهی خیابان می‌شود. دغدغه آینده، مشکلات امروز، دلمشغولی‌های همیشگی؛ می‌خواهد فریاد بزند، شاید کمی از فشار روانی خود بکاهد. هر اتفاق کوچکی می‌تواند جرقه یک درگیری باشد. اتفاق می‌افتاد، دعوا آغاز می‌شود و پسرک دیگر چشم نمی‌گشاید؛ نه آینده‌ای مانده و نه دغدغه‌ای.

پرده دوم

هنوز ۱۷ سالش نشده؛ خودش هم باور نمی‌کند دخترک زیبایی همسایه به خاطر اقدام او دیگر هیچ‌گاه رنگ صبح نمی‌بیند. نمی‌تواند باور کند چگونه با یک اقدام آرامش را از چند خانواده گرفته است. می‌داند روزهای آخر عمر خود را سپری می‌کند. قرار است بزرگ شود تا اجازه مرگ او را بدهند. شمع تولدش را این بار بی هیچ آرزویی فوت می‌کند.

باور نمی‌کند تنها یک عصبانیت آنی و پس از آن تمام مسیر زندگی‌اش تغییر کرده است. سال‌هایی که باید پشت نیمکت‌های مدرسه بگذرند پشت درهای کانون گزرانده می‌شوند؛ نه به امید اصلاح و تغییر بلکه برای رسیدن روزی که همین درها نیز بسته شوند و دیگر همه چیز تمام شود.

پرده سوم

پسرک اعدام می‌شود. این تنها سرگذشت ۲ نفر از کودکان سرزمین ماست. کودکانی که همه ما در برابر سرنوشت‌شان مسئول هستیم. کودکانی که آموزش ندیدند و داغی



بزرگ بر دل یک خانواده گذاشتند و خودشان داغی شدند بر دل خانواده‌شان. کودکانی که پیش از آنکه فرصت آموزش برای بهتر زندگی کردن را پیدا کنند زندگی دیگری را پایان دادند و خودشان نیز قربانی دیگر این ماجرا بودند.

و امروز...

«ما فکر می‌کردیم با اعدام امیرحسین آروم می‌شیم؛ اما روز اعدام برای ما مثل همون روزی بود که فهمیدیم ستایش به اون شکل مرده و دیگه نیست. شاید اگر به عقب برمی‌گشتیم و می‌دونستیم که با اعدام‌شدن امیرحسین چیزی درست نمی‌شه، می‌بخشیدیمش و اعدام نمی‌شد.»

ماده ۳۷ پیمان‌نامه حقوق کودک

«هیچ کودکی نباید تحت شکنجه یا سایر رفتارهای بیرحمانه و غیرانسانی یا مغایر شئون انسانی قرار گیرد. مجازات اعدام و یا حبس ابد بدون امکان بخشودگی را نمی‌توان در مورد کودکان زیر ۱۸ سال اعمال کرد.»

زنان و خانواده

توان افزایی زنان سرپرست خانوار ضرورتی انکار ناپذیر

ساناز قربانی

مروری بر نتایج پژوهش‌ها، آمارها و گزارش‌های متعدد در حوزه مسائل اجتماعی نشان می‌دهد زنان سرپرست خانوار از آسیب پذیرترین اقشار جامعه هستند؛ زنانی که به دلیل فوت، بیماری، زندانی بودن همسر، طلاق و موارد دیگر سرپرستی خانواده را بر عهده گرفته‌اند.

بسیاری از این زنان به دلیل فقدان منابع مستقل درآمدی، عدم دسترسی به فرصت‌ها و منابع توسعه‌ای، تنش‌های خانوادگی و محدودیت‌های فرهنگی در معرض انواع فشارهای روانی اقتصادی و اجتماعی هستند و از آنجا که یک چتر حمایتی برای این گروه از زنان وجود ندارد، مسئولیت اصلی خانواده بر عهده آنهاست و به همین دلیل در معرض مسائل پیچیده‌ای مانند مشکلات مالی، ترک تحصیل فرزندان، اشتغال به کارهای سخت و دستمزد پایین، بیماری‌های روانی و خشونت قرار دارند.

برای غلبه بر این مسائل لازم است چاره‌ای اندیشیده شود و در این میان رویکرد توان‌افزایی زنان سرپرست خانوار می‌تواند یکی از مهم‌ترین راه‌های غلبه بر این محرومیت‌ها باشد. دلیل تاکید بر این امر آن است که زنان سرپرست خانوار بیش از مردان در معرض فقر قرار دارند و با موانع و محدودیت‌های فراوانی که متأثر از عوامل فرهنگی و



حقوقی است مواجه هستند به عبارت دیگر توان‌افزایی زنان سرپرست خانوار به معنای شناخت ارزش آنها و سهمی است که می‌توانند در انجام امور داشته باشند.

اما توان‌افزایی چیست؟ تعریف سازمان ملل متحد از توان‌افزایی شامل پنج بخش عمده است: احساس ارزش داشتن، حق مالکیت و تصمیم‌گیری، حق دسترسی به فرصت‌ها و مناسبات، حق کنترل زندگی خود در داخل و بیرون از خانه، قدرت تأثیرگذاری بر جریان تغییرات اجتماعی برای به وجود آوردن نظام عادلانه اقتصادی در محدوده ملی و جهانی. بر اساس تعریف فوق می‌توان گفت یکی از ابعاد مهم توانمندسازی زنان سرپرست خانوار، توانمندسازی اقتصادی آنان است بدین معنا که بسترهایی فراهم شود تا آنان بتوانند با اتکا بر توانایی‌های خویش به درآمد مستقلی دست یابند.

باید توجه داشت ایجاد بسترهای اشتغال و توان‌افزایی زنان سرپرست خانوار عزم ملی می‌طلبد و لازم است مثلث دولت، نهادهای مدنی و بخش خصوصی جهت برنامه‌ریزی برای این امر در کنار یکدیگر قرار گیرند.

هر کدام از این نهادها می‌توانند با ایفای نقش خود جهت بهبود وضعیت این قشر گام موثری بردارند؛ اما زمانی که دو ضلع دیگر این مثلث یعنی دولت و بخش خصوصی نتوانسته‌اند وظایف خود را به درستی ایفا کنند، این سازمان‌های مردم‌نهاد هستند که بار اصلی را به دوش می‌کشند. مهم‌ترین و کارکردهای این سازمان‌ها را می‌توان در موارد زیر خلاصه کرد:

- شناسایی راه حل‌های اصولی جهت حل مسائل زنان سرپرست خانوار از طریق گسترش کسب و کار و خوداشتغالی
- شناسایی مسائل و مشکلات زنان سرپرست خانوار
- ارائه الگوی توان‌افزایی کارساز
- ارائه آموزش‌ها و اطلاعات لازم به جامعه هدف
- تعریف پروژه‌های توان‌افزایی متناسب با مسائل زنان سرپرست خانوار
- حلقه واسط زنان سرپرست خانوار و سازمان‌های حاکمیتی

باید تاکید کرد در این میان زنان سرپرست خانوار را نباید فقط به عنوان دریافت‌کنندگان خدمات در نظر گرفت بلکه خود زنان باید به عنوان بازی‌گردان اصلی در فرایند تغییر شرایط در نظر گرفته شوند.

با لبخند خارج می‌شویم

کلاس سوادآموزی مهر و ماه حال و هوای خاصی دارد. پیش از این تصور من از کلاس‌های سوادآموزی حضور چند خانم پشت نیمکت‌هایی بود که برای اندامشان نامناسب است و همه خیره به یک نفر به عنوان معلم تلاش می‌کنند حروف الفبا را بیاموزند. فضایی شبیه به آنچه ما در سال‌های آخر دوره دبستان در مدرسه می‌گذرانیدیم و البته با جذابیتی کمتر. کلاس سوادآموزی مهر و ماه اما تصویر دیگری در ذهن من ایجاد کرد. کتابخانه کوچک در کلاس نخستین چیزی است که توجهم را به خود جلب می‌کند. کتاب‌هایی با موضوعات متنوع؛ از حقوق کودکان گرفته تا آموزش مسائل بهداشتی، از خودباروری زنان تا راه‌های کسب موفقیت. جالب آنکه تمام کتاب‌ها نیز مخاطب خود را دارند. این موضوع را تکه مقوای کوچکی ثابت می‌کند که بر دیوار نصب شده و نام تعدادی از سوادآموزان روی آن نوشته شده است. مربی کلاس برایم توضیح می‌دهد که هر کدام از سوادآموزان که کتابی قرض گرفته‌اند، نام خود را به‌عنوان امانت‌گیرنده روی تخته می‌نویسند و موظف‌اند در زمان مقرر کتاب را پس بیاورند.

مربی کلاس توضیح می‌دهد برای اینکه زنان بتوانند تاثیر آموزش را به‌طور محسوس در زندگی روزمره خود درک کنند بخشی از زمان کلاس به آموزش مسائل عینی‌تر می‌گذرد؛ خواندن قبض‌های آب و برق و آموزش چگونه محاسبه کردن سهم هر خانواده نمونه‌ای از این برنامه‌هاست. «ما در خانه‌ای دو طبقه زندگی می‌کنیم و کنتور برق ما با همسایه مشترک است. قبل از این چون سواد نداشتم، پرداخت قبض را به همسایه سپرده بودم اما از وقتی می‌توانم قبض‌ها را خودم بخوانم، تازه فهمیدم همسایه چقدر پول اضافی از ما می‌گرفته و می‌گفته بهای مصرفی شماست. اما امروز که خواندن را یاد گرفتم، خودم قبض‌ها را پرداخت می‌کنم»؛ این گفته‌های یکی از زنان سوادآموز است. او امروز یاد گرفته در یک محیط کوچک بخشی از حقوق خود را احیا کند.

زنان در کلاس سوادآموزی کارهای گروهی متفاوتی را انجام می‌دهند. تهیه یک مجله داخلی از موضوعات مختلف کار جالبی است که امسال زنان سوادآموز مهر و ماه انجام داده‌اند. وقتی به دغدغه‌های مختلفی که این زنان در زندگی شخصی خود دارند توجه

می‌کنم کار بزرگ و تلاش آنها برای تغییر وضعیت برایم چند برابر ارزشمندتر می‌شود. بر در ورودی کلاس سوادآموزی مهر و ماه با خطی درشت نوشته شده «لطفاً با لبخند وارد شوید»؛ مطمئنم حتی اگر بدون لبخند به این کلاس وارد شویم، حتماً با لبخند از آن خارج خواهیم شد؛ چراکه زنان در این کلاس کوچک تنها خواندن و نوشتن یاد نمی‌گیرند بلکه بهتر زندگی کردن را می‌آموزند و با تجربه‌هایی بسیار ناب روبه‌رو می‌شوند.



امید به طلوع

(برای حفظ حریم شخصی از نام‌های مستعار استفاده شده است)

حکیمه با چشمی گریان وارد موسسه می‌شود. ۳۰ سال بیشتر ندارد، هم‌سن و سال خودم و می‌دانم شرایط بسیار سختی را در خانه می‌گذراند. همسرش که پیش از این کارگر ماهری بود مدتی است به شیشه اعتیاد دارد. او امروز نه تنها دیگر نان‌آور خانواده نیست که باری بر دوش خانواده‌اش شده است. حکیمه دست کودک پنج ساله‌اش را در



دست دارد، از ترس رفتار خشن پدر دیگر جرئت نمی‌کند او را با دخترک در خانه تنها بگذارد. از او می‌پرسم پسرت کجاست؟ می‌گوید دنبال یک لقمه نان. محمد تنها ۱۲ سال دارد و در همین سن کم نان‌آور خانواده شده است. جای خوشبختی است که درس را رها نکرده. می‌دانم در مدرسه به عنوان یک شاگرد موفق از او نام می‌برند. کسب‌وکار محمد جعبه کوچکی است که با آن جوراب و وسایل دیگر می‌فروشد. چشمان خانواده مدت‌هاست به دست محمد دوخته شده است.

حکیمه برایم از روزهای سختش می‌گوید. از عذاب وجدانی که در قبال فرزندش دارد؛ چرا باید او در این سن کم بار خانه ما را به دوش بکشد؟ چندباری به خانه حکیمه رفته‌ام و می‌دانم اوضاع زندگی‌شان به سامان نیست. پیگیر کارهایش هم بوده‌ام. با مشورتی که با دیگر اعضای مهروماه داشته‌ام می‌توانم برایش در مؤسسه شغلی مهیا کنم تا بتواند به مرور زمان ضمن کسب مهارت‌های اجتماعی به لحاظ اقتصادی نیز به خانواده کمک کند. با او صحبت می‌کنم از علاقه محمد به درس می‌گویم. اینکه ما می‌توانیم او را تحت پوشش حمایت تحصیلی قرار دهیم تا به لحاظ روانی نیز محمد فشار کمتری بابت موضوعات مالی تحمل کند؛ اما به حکیمه می‌گویم گام اساسی برای تغییر وضعیت این است که پدر اعتیاد را کنار بگذارد. از او می‌خواهم شرایطی ایجاد کند تا با ذبیح صحبت کنم. این امکان فراهم می‌شود. خستگی از وضع موجود در تک‌تک کلمات ذبیح مشخص است. می‌خواهد همان مرد قبلی باشد اما جسارتش را ندارد. برایش از افرادی می‌گویم که شرایط مشابهی داشته‌اند و امروز زندگی خود را تغییر داده‌اند. کمپ ترک اعتیاد مورد اعتمادی را به او معرفی می‌کنم.

ذبیح این روزها دوران سختی می‌گذراند؛ دورانی که باید زهر روزهای سخت را از جان بیرون کند. حکیمه در مهروماه مشغول است و محمد ساعات بسیار کمتری را در خیابان برای کسب نان می‌گذراند. امید به طلوع دوباره خورشید در زندگی این خانواده کوچک در ذهنم نقش بسته است.

پایان سپید روزهای سیاه

در مهرماه گاه با کودکانی روبه‌رو می‌شویم که تلخی قصه زندگی‌شان تا مدت‌ها بر تنهان می‌نشیند. داستان ساسان و سامان (اسامی مستعار) چنین روایتی داشت. پسرکان ۸ و ۱۰ ساله‌ای که قربانی اعتیاد خانواده خود بودند. روزی که مددکار اجتماعی مهرماه با این دو کودک مواجه شد آنها در یک اتاق خشت و گلی در یک باغ و بدون کمترین امکانات زندگی به سر می‌بردند. پدر و مادر از سال‌ها قبل درگیر اعتیاد بودند و با مصرف شیشه و هروئین روزگار می‌گذراندند. وضعیت زندگی سخت کودکان باعث شد مهرماه به دنبال سرپناهی مناسب‌تر برای آنها باشد. با کمک یکی از یاران مهرماه این خانواده توانستند به مکانی مناسب‌تر نقل مکان کنند. با این وجود تلخی زندگی این کودکان هنوز ادامه داشت. اعتیاد شدید پدر و مادر و رفت و آمد افراد درگیر اعتیاد به خانه آنها سرپناه جدید را نیز از آنان گرفت. در یکی از روزهای سرد زمستان صاحبخانه اسباب خانواده را از خانه بیرون ریخت و کودکان ماندند و سرما و پدر و مادری که مدت‌ها بود دیگر نقطه اتکایی برای فرزندانشان نبودند. تلاش مددکاران اجتماعی مهرماه ادامه داشت. آنها سعی می‌کردند با گفت‌وگو با پدر و مادر متقاعدشان کنند تا دست‌کم در مقابل کودکان مواد مصرف نکنند.

گویی اما در زندگی همه ما نقطه عطفی وجود دارد که چشماغان را به سوی واقعیت باز می‌کند. برای سمیرا و فرشید، پدر و مادر داستان ما (اسامی مستعار)، این بیداری با یک خبر بسیار تلخ رقم خورد. کودکان به دلیل اینکه به‌طور مداوم در معرض دود مواد مخدر بودند نشانه‌هایی از اعتیاد در آزمایش‌هایشان وجود داشت. سمیرا و فرشید که تا دیروز با این چهره دهشتناک از اعتیاد مواجه نشده بودند، آنها که امروز فرزندان بی‌گناهشان را در مرز نابودی می‌دیدند، بالاخره تصمیم به تغییر گرفتند. به کوشش مهرماه سمیرا و فرشید به کمپ ترک اعتیاد رفتند، مددکاران اجتماعی مهرماه با اقوام آنها در تماس بودند تا در دوره ترک اعتیاد این کودکان در کنار هم سرپناهی داشته باشند. روزهای سخت گذشت. سمیرا در حال حاضر اعتیاد را ترک کرده است. او



در مهرماه حرفه‌ای آموخته و مشغول کار است. فرشید نیز به‌تازگی از کمپ مرخص شده و به دنبال کار است. مددکاران و مشاوران مهرماه هر روز با این خانواده در تماس هستند و با گفت‌وگوهای خود تلاش می‌کنند آنها را در مسیر سلامت پیش ببرند. لحظه‌ای که سامان و ساسان پدر و مادر خود را به دور از اعتیاد دیدند، لحظه‌ای تکرار نشدنی برای ما بود. اشک‌هایشان از هر لبخندی برایمان دلچسب‌تر بود. اگرچه زخم روزهای قدیم بر تن و بدن این خانواده باقی است اما با یک همت جمعی آن روزها پشت سر گذاشته شده و دورانی جدید برای این خانواده کوچک آغاز شده است. دورانی که امید داریم هر روزش روشن‌تر از روزهای قبل باشد. این داستان تلخ تا امروز پاپانی خوش داشته و به ما آموخته شکست در مسیر تغییر، دائمی نیست و بالاخره روزی می‌رسد که نور بر زندگی می‌تابد. کافی است تلاش کنیم و پایدار باشیم؛ بی‌شک نوری خواهد تابید.

اگر جنگ نبود...



گلناز (اسم مستعار) در آرزوی داروساز شدن روزها و شبها درس میخواند. دیپلمش را گرفت و تا پیشدانشگاهی پیش رفت اما بیشتر از آن امکانش وجود نداشت. در هرات به دنیا آمده و در کودکی به همراه خانواده راهی ایران شده تا از جنگ و خونریزی در امان و در

جستجوی روزهای خوب باشد. از آشناییاش با مهر و ماه میگوید. اینکه روزی مادرش به او گفته: «جایی تو فرحزاد باز شده که به بچهها درس میدن. خواهرت رو ببر بین چه کلاسی میتونی ثبت نام کنی.» گلناز به همراه خواهر کوچکش راهی مهر و ماه می شود و او را در کلاس نقاشی ثبت نام می کند و این باب آشنایی گلناز و خواهرانش با مهر و ماه بوده. خواهر کوچکش را در کلاس نقاشی ثبت نام می کند و بعد از رفت و آمدهایش به مؤسسه، مدیر عامل، پیشنهاد کار برای سوادآموزی زنان را به او می دهد. گلناز بعد از مشورت با خانواده و جلب موافقت آنها، پیشنهاد را قبول می کند و معلم نهضت سوادآموزی برای زنان محله می شود. او به زنانی سواد یاد می دهد که دغدغهها و مشکلاتشان را از نزدیک می شناسد.

از او می پرسیم اولین روزی که به عنوان معلم سر کلاس درس حاضر شده و اینکه چه حسی داشته را به یاد دارد؟ می گوید: «خیلی حس خوبی بود. اینکه می توانستم به دیگران چیزی یاد بدهم خیلی خوب بود. کلاس را با ده دانش آموز شروع کردم که امروز چهار نفر آنها همچنان سر کلاس من و در مقاطع بالاتر حضور دارند.»

گلناز در خانواده ای با شش فرزند به دنیا آمده. یکی دیگر از خواهرانش نیز بعد از او معلم سوادآموزی زنان شده. او از خاطره ای دلنشین برایم می گوید: «روزهایی که هوا آلوده بود یکی از شاگردانم به مغازه رفته بود تا شیر بخرد. می گفت: هر مغازه ای که می رفتم، یا تاریخ انقضای شیرها گذشته بود یا فقط فردا را مهلت مصرف داشت. اینکه چیزی به او یاد دادم که در زندگی اش مفید است و تا قبل از اینکه سواد یاد بگیرد

نمی توانست چیزی بخواند ولی امروز می تواند تاریخ مصرف مواد را بخواند و با اعتماد به نفس بیشتری وارد مغازه می شود و خرید می کند برای من بسیار شیرین است.»

او درباره برگشت به کشورش می گوید: «دلم می خواهد به شهرم برگردم و به زنان سواد یاد بدهم. به زنانی که در خانه مانده اند خواندن و نوشتن یاد بدهم. به مردمی که به خاطر شرایط بد، به خاطر جنگ، هیچ وقت حتی فرصت یادگیری نداشتند کمک کنم. من در جایی مثل مهر و ماه که هیچ فرقی بین ایرانی و افغانستانی نمی گذارد، فرصت این را داشتم که بتوانم حاضر شوم و چیزی یاد بگیرم باید بتوانم به بقیه هم این فرصت را بدهم و مسیری را پیش پای بقیه بگذارم که آنها هم بتوانند در آینده به دیگران یاد بدهند.»

می پرسیم آرزویت چیست؟ با کمی مکث می گوید: «آرزو دارم هر زنی بتواند گلیم خودش را از آب بیرون بکشد و خودش را در جامعه ثابت کند و بگوید که من هم هستم. یکی از زنان کلاسم برای من می گوید: وقتی قبلاً به مدرسه دخترم می رفتم نمی دانستم امضاء چیست و چطور باید این کار را انجام دهم و هیچ چیز از درسهای دخترم را نمی فهمیدم ولی الان می توانم به جای اثرانگشت امضاء کنم و درسهای دخترم را بخوانم و با اعتماد به نفس بیشتری به مدرسه سر می زنم. این یعنی پیشرفت و حرکت مثبت و همچنین چیزی به من امید می دهد تا خودم هم بتوانم پیشرفت کنم و یاد بگیرم.»

گلناز برایم از حسی که نسبت به جنگ دارد می گوید: «جز آوارگی چیزی برای ما نیاورده. آنهایی که جنگ را شروع می کنند هیچ وقت جز فواید و سود خودشان چیز دیگری نمی بینند. افرادی که در زیر پاهای آنها می شوند و زندگی شان نابود می شود را نمی بینند.»

می پرسیم آیا کسانی را که جنگ را شروع کردند را می بخشد؟ جواب گلناز یک نه قاطع و محکم است. می گوید: «اگر جنگ نبود من می توانستم الان در کشور خودم خدمت کنم. بین هموطنانم که آنها هم ببینند که یک زن هم می تواند پیشرفت کند. اگر جنگ نبود، من اسم افغانستان را با حسرت نمی گفتم. در یک جمله، جنگ برای ما فقط حسرت آورد.»

ما امروز خوشحالیم از اینکه بستر پیشرفت زنان جوانی چون گلناز را فراهم کرده ایم. امید که هرکسی بتواند در کشور خودش به دور از جنگ، نفرت و در آرامش، زندگی را سر کند و زنان، در هرجایی از این دنیا که هستند توان و امکان حرکت در مسیر تغییر و پیشرفت را داشته باشند.

۱- زنان کوشا در کلاس سوادآموزی زنان مهرماه: زنان در مهرماه می‌آموزند تا بهتر زندگی کنند. کلاسهای سوادآموزی مهرماه در سال ۹۶ میزبان بیش از ۷۰ نفر از زنان محله بود. در پایه‌های اول، دوم و دوره انتقال مهرماه به ترتیب ۴۰، ۱۱ و ۲۰ زن تحصیل کردند و برای مواجهه‌ای دیگر گونه با محیط اطراف خود آماده شدند. اشتیاق زنان برای آموختن به گونه‌ای بود که در کلاس دوره انتقال، زبان انگلیسی و آشنایی کار با کامپیوتر نیز آموزش داده شد. هدف در کلاسهای سوادآموزی مهرماه هم آموزش خواندن و نوشتن است و هم پرورش مهارت‌های زندگی برای بهتر زیستن.



۲- بیشتر یاد بگیریم: هر کودکی می‌تواند یک نابغه باشد تنها باید استعداد او را کشف و آن را شکوفا کنیم. در سال ۹۶ کلاسهای تقویتی در پایه‌های مختلف برای کودکان کار، کودکان تحت پوشش حمایت تحصیلی، کودکان مدرسه و داوطلبان آزاد تشکیل شد. این کلاسها برای درسهای ریاضی، علوم و فارسی در تمامی پایه‌های ابتدایی و ریاضی برای پایه‌های هفتم، هشتم و نهم به صورت فعال برگزار شد. علاوه بر این هر ماه کلاسهای مهارت زندگی برای دبستانی‌ها و بازی و ریاضی برای کلاس اولی‌ها تشکیل شد. در کلاسهای زبان نیز در سه پایه زبان آموزشگاهی و یک پایه تقویتی مجموعاً ۵۰

نفر آموزش می‌بینند. بطور میانگین در هر ماه ۲۱۴ کودک در مهرماه از خدمات آموزش تکمیلی استفاده می‌کنند و بیش از ۶۸۰۰ نفر ساعت آموزش می‌بینند.



۳- کودکان در کلاس پیش‌دبستانی مهرماه: تفریح و آموزش در کنار هم در کلاسهای پیش‌دبستانی مهرماه پیش برده می‌شود. در سال ۹۶ تعداد ۶۳ کودک در ۴ کلاس پیش دبستانی میهمان مهرماه بودند. حضور نیروهای محلی آموزش‌دیده به عنوان مربی در این کلاسها کمکی بود برای اینکه ارتباط بهتر و همدلانه‌تری با کودکان ایجاد شود. صدای شادی و خنده کودکان، چشمان کنجکاو آنها در مواجهه با چالش‌های جدید و دستان هنرمند آنها که با ذوق کاردستی‌های رنگارنگ می‌سازند رنگ و روی دیگری به محیط مهرماه داده است.



۴- **تحصیل حق شماست:** در سال ۹۶ نیز مهرماه میزبان کودکان محروم از تحصیل بود. کودکانی که اگرچه بار زندگی آنها را از آموزش رسمی باز داشته است اما تجربه جدیدی از آموزش را در مهرماه کسب می‌کنند. آموزش این کودکان در پایه‌های دوم و سوم و چهارم جمعاً با ۳۴ دانش آموز در ۵ روز هفته و با ۴ مربی صورت پیش برده شد. در این کلاس‌ها علاوه بر دروس رسمی در هر پایه، آموزش مهارت‌های زندگی مورد توجه است و تلاش می‌شود با شناخت بهتر از وضعیت کودکان بتوان شرایط بهتری برای زیست آنها فراهم کرد. همکاری با کمیته مددکاری اجتماعی و روانشناسی باعث شده تغییرات قابل توجهی در رفتار این کودکان دیده شود؛ این کودکان می‌توانند آینده‌ای دیگرگونه برای خود رقم بزنند.



۵- **پیش به سوی سال جدید تحصیلی:** در سال ۹۶ تعداد ۱۵۰ کودک تحت حمایت تحصیلی موسسه قرار گرفتند که ۸۳ نفر از این کودکان، کودکان کار هستند. این کودکان این بار بدون ترس از ترک مدرسه به دلیل مشکلات مالی سال تحصیلی را شروع کردند و می‌دانستند در گوشه‌ای از این شهر انسانی است که در این مسیر همراه و همیار اوست. کمیته حمایت تحصیلی مهرماه نیز هر سه ماه گزارشی را از وضعیت تحصیلی دانش‌آموزان به حامیان تحصیلی ارسال می‌کند تا آنان نیز بدانند چگونه حمایتشان به بهبود زندگی کودکی در این شهر یاری رسانده است. برگزاری کلاس‌های تقویتی و

حمایت‌های مددکاری اجتماعی، روانشناسی، معیشتی، درمانی و... از کودکان نیز در بهبود کیفیت تحصیلی آنها اثر ویژه داشته است.



۶- **دست در دست هم برای زندگی بهتر:** همیاری مهرماه با زنان و کودکان تنها به آموزش محدود نیست. تلاش بر این است راهی برای بهتر زیستن در کنار هم بسازیم. در این مسیر کمیته مددکاری اجتماعی و روانشناسی موسسه مسئولیتی ویژه دارد. این کمیته در سال ۹۶ با تشکیل ۵۵ پرونده جدید در مجموع از ۴۰۶ خانواده حمایت کرد. این حمایت‌ها در بخش‌های آموزشی، حمایت‌های بهداشتی و درمانی، حمایت از خانواده و مشاوره به صورت فردی و یا مداخله در بحران صورت گرفت. ارائه ۸۱۴ مشاوره فردی، ۸ مشاوره گروهی و ۳۶ مورد مداخله در بحران از خدمات روانشناسی و مددکاری اجتماعی در موسسه است. همچنین در سال ۹۶ برای ۲۲۵ کودک و به‌طور خاص



۸۴ کودک کار برنامه خدماتی تدوین و ارائه شد. ارائه کارگاه‌های آموزشی در سال ۹۶ (مجموعاً ۳۳ کارگاه) برای مادران و کودکان در موضوع‌های مهارت‌های زندگی، فرزندپروری، خودمراقبتی جنسی و ایدز، بهداشت فردی و بلوغ و حقوق کودک از دیگر خدمات مهرماه در این کمیته است.

۷- دست‌های هنرمندشان نقش‌های زیبا می‌آفرینند: در گوشه‌ای از شهر شلوغ و بی‌قرارمان؛ در کارگاه در مهروماه هر روز زنانی پشت چرخ می‌نشینند و یا سوزن ونخ به دست می‌گیرند با هدف ساختن خانواده‌ای با آینده‌ای روشن. در سال ۹۶ با تلاش‌های صورت گرفته در کمیته کارآفرینی مجموعاً ۴۶ زن و دختر جوان توانستند درآمد کسب کنند، ۵ نفر در کارگاه مهروماه فعالیت کردند و ۱۵ نفر نیز وارد بازار کار شدند. تولید ۲۱۸۷ کالا در سال ۹۶ نتیجه همت این زنان بود. حضور در ۱۵ بازارچه کمکی بود تا حاصل تلاش زنان بدون واسطه در اختیار متقاضیان قرار گیرد. مهروماه در سال ۹۶ آموزش خیاطی، چرم و بافتنی را نیز برای متقاضیان ارائه داد.



۸- روزها را برای کودکان زیباتر کنیم: شادی حق کودکان است و باید برای آنها دنیایی شادتر بسازیم. در سال ۹۶ به کوشش کمیته فرهنگ و هنر معادل ۶۳۶ کودک در اردوهای مهروماه شرکت کردند. زنان مهروماه نیز با شرکت در دوره‌های و جشن‌های مهروماهی روزهای شادی را تجربه کردند. جشن شب یلدا، جشن روز زن، جشن نوروز و جشن روز جهانی کودک مهم‌ترین جشن‌های مهروماهی در سال ۹۶ بود. برگزاری کلاس‌های تئاتر با ۲۴ نفر، کلاس سرود با ۱۹ نفر، کلاس نقاشی با ۴۵ نفر و کلاس موسیقی با ۱۵ نفر از

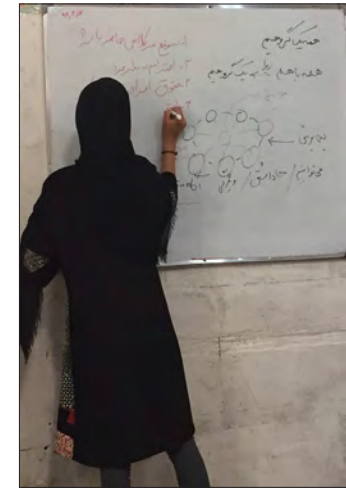
دیگر اقدامات این کمیته بود. کلاس‌های ورزش (پینگ‌پنگ و شطرنج) نیز برای ساختن اوقات فراغتی شادتر برای کودکان در مهروماه برپا شد. کتابخانه مهروماه نیز پرشورتر از سال‌های قبل در خدمت علاقه‌مندان در محله فرحزاد بود. در حال حاضر ۱۴۹ نفر در کتابخانه مهروماه عضو هستند. طرح با من بخوان نیز مانند سال‌های قبل با همت و شرکت نوجوانان مهروماهی ادامه پیدا کرد.



۹- با آگاهی پیش رویم: برای آنکه بتوانیم بهتر از پیش باشیم باید از تجربه‌های خود بیاموزیم و محیط را بیش از پیش شناسایی کنیم. کمیته پژوهش مهروماه با همین هدف ایجاد و فعال شده است. این کمیته در سال ۹۶ با پایش دیگر کمیته‌ها توانست

ارزیابی قابل قبولی از فعالیت کمیته‌های دیگر ارائه دهد. این کمیته دو موضوع در راستای «همگرایی محلی در مناطق حاشیه‌نشین» و «بلوغ و رفتارهای پر خطر در مناطق حاشیه‌نشین» در دست پژوهش دارد.

۱۰- یارانی جدید در کنار ما: در سال ۱۳۹۶ به همت کمیته روابط عمومی مهروماه سه جشنواره برگزار شد که فرصتی برای آشنایی با همیارانی جدید بود. زنان و مردانی که هریک با اتکا به توانایی‌های خود آمادگی‌شان را برای همراهی با مهروماه اعلام کردند. این



جشنواره‌ها همچنین فرصتی بود برای شناساندن هنر داستان زنان مهروماهی؛ زنانی که با اتکا به توان خویش راهی دیگر برای زندگی ساخته‌اند و همراهی ما می‌تواند کمکی باشد برای پیمودن موفق‌تر این راه.



۱۱- آموزش برای همه: همه ما نیاز به آموزش داریم تا هر روز بهتر و کامل‌تر از قبل در مسیر اهدافمان حرکت کنیم. کمیته منابع انسانی در سال ۹۶، تعداد ۶ کارگاه آموزشی برای مربیان و همکاران موسسه برگزار کرد. دو برنامه جمعی غیر رسمی جهت تعامل بیشتر همکاران موسسه، از دیگر فعالیت‌های این کمیته بود. تصویر فوق مربوط به کلاس تسهیلگری اجتماعی موسسه برای مربیان است.



۱۲- نوش‌دارو در زمان مناسب: مهروماه در سال ۹۵ یکی از مؤسسات منتخب برای اجرای طرح ادغام شناخته شد. در این طرح تلاش بر این است کودکان در معرض آسیب بیماری ایدز شناسایی شوند و با اجرای برنامه‌های آموزشی و تست‌های پزشکی آگاهی‌های لازم جهت پیشگیری و در صورت نیاز، درمان کودکان به آنها داده شود. کودکان کار و خیابان در معرض خطرهای بسیاری هستند که پیشگیری از این خطرها و آگاهی دادن نسبت به آنها گامی مهم در حمایت از این کودکان است.



۱۳- کاری یاد بگیریم: در سال ۹۶ تعدادی از نوجوانان پسر مهروماه به همت یکی از یاران موسسه دوره آموزشی جوشکاری را گذراندند تا از این طریق بتوانند به تدریج از شغل‌های کاذب فاصله گرفته و آینده‌ای بهتر در فضای مناسب کاری برای خود رقم بزنند. حرفه آموزی مقدمه‌ای است برای تغییر سبک زندگی این کودکان.



مؤسسه مهروماه از سال ۱۳۹۱ در دو حوزه زنان و کودکان آسیب دیده و در معرض آسیب در دره فرخزاد شروع به فعالیت کرده است. تلاش مهروماه حذف کار کودک و توجه به حقوق کودکان است. مهروماه می‌کوشد از طریق ارائه خدمات آموزشی، بهداشت و مددکاری اجتماعی در جهت توانمندسازی زنان و کودکان با رویکرد خانواده‌محور گام بردارد.



تهران :: اتوبان یادگار امام شمال :: خیابان ایثارگران شمالی
خیابان امام زاده داوود :: کوچه عمومی :: پلاک 4



۰۲۱-۲۲۳۸۲۶۶۵



www.mehr-o-mah.com

۰۲۱-۲۲۳۸۵۲۶۴

info@mehr-o-mah.com



@mehromahngo



@mehromah.ngo

